

جایگاه توسعه اقتصادی در اسلام (۱)

بسیاری از آموزه‌های دینی در حوزه تشریح و تبیین، دارای جهت‌گیری اقتصادی خاصی است که جایگاه توسعه اقتصادی را در اسلام نشان می‌دهد. در این مقاله با نگاهی اجمالی به مسأله رشد، سنت تسخیر طبیعت به وسیله انسان، توصیه اسلام به استعمار (آبادسازی)، استنماء (ازدیاد اموال)، استثمار، استصلاح (اصلاح) زمین و سرمایه‌ها، احیاء موات، حیات مباحات، وجوب خمس و زکات، نفی سبیل کفار بر مسلمین، فلسفه اموال و فلسفه خلقت انسان و هدف او، جایگاه توسعه اقتصادی به طور کلی نشان داده شده است.

ادیان الهی، سرچشمه توسعه

ادیان الهی به ویژه اسلام نه تنها بر توسعه، از جمله توسعه اقتصادی تأکید کرده‌اند، بلکه با تأملی در تاریخ و تعالیم انبیا درمی‌یابیم که منشأ پیدایش بحث نظری توسعه در علوم انسانی و حکمت عملی و علم اداره حکومت، پیامبران خصوصاً رسول اکرم ﷺ و معصومین بوده‌اند. در عمل و عینیت نیز توسعه در تمام ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی؛ ناشی از تلاش و کوشش آن رسولان و اصحاب صادق آنان بوده است.

مفقود شدن حلقه واسطه بین سرچشمه توسعه و مباحث توسعه امروزی آنچه باعث مفقود شدن حلقه‌های واسطه بین سرچشمه توسعه در تعالیم و عملکرد پیامبران و مباحث نظری توسعه در عصر حاضر و توسعه یافتگی برخی از جوامع امروزی در سلسله زنجیره تاریخی توسعه می‌باشد. مفقود شدن و ندیدن آن حلقه‌های واسطی ناشی از ضربه دشمنان پیامبران و ادیان الهی خصوصاً اسلام بوده است و هنوز هم آثار در محافل علمی، سیاسی، دانشگاهی و حتی نظامی به پنهان کردن آن ارتباط مشغول‌اند و یا بر اثر عدم آشنایی با

تعالیم اسلام ناب، قادر به یافتن حلقه‌های واسطه توسعه امروزی با سرچشمه توسعه در تعالیم و عملکرد انبیا نیستند. علاوه بر آن، عقب ماندگی جوامع اسلامی از تعالیم و حیانی و عملکرد غیراسلامی حکومت‌های ملل اسلامی، این پندار را به وجود آورده است که توسعه، یک امر عقلانی صرف است. از همین رو عده‌ای، نه تنها توسعه را امری جدای از دین تلقی کرده‌اند، بلکه برخی دین را ضد آن قلمداد می‌کنند. این نظر که دین افیون توده‌ها است، و نیز تز جدایی حکومت از دین یا جدایی دین از سیاست، همه ریشه در همین حلقه‌های مفقوده دارد. اغراق نخواهد بود اگر ادعا کنیم نظام جمهوری اسلامی این حلقه‌های مفقوده را مجدداً به فرآیند زنجیره‌ای تاریخی توسعه بازگردانده و آن را برای علما، حکما، ملتها و دولتها آشکار ساخته است.

حضرت آدم علیه السلام اولین شخصی بود که به تعلیم خداوند، به کشاورزی و کشت گندم دست زد و هابیل فرزند صالح او این کار را توسعه داد. سایر انبیا در هزاره اول این کار را ادامه دادند تا این که نوبت به حضرت نبیط یکی از فرزندان زادگان حضرت نوح علیه السلام که فردی صالح بود، رسید. وی کشاورزی را به طور گسترده‌ای توسعه داد و علاوه بر زراعت، به کشت درخت و احداث نهرها و جاری کردن آنها دست زد و صنعت باغداری و آبیاری را پدید آورد.

چند نمونه از سرچشمه توسعه

حضرت آدم علیه السلام
اولین شخصی بود که به تعلیم خداوند، به کشاورزی و کشت گندم دست زد و هابیل فرزند

صالح او این کار را توسعه داد. سایر انبیا در هزاره اول این کار را ادامه دادند تا این که نوبت به حضرت نبیط یکی از فرزندان زادگان حضرت نوح علیه السلام که فردی صالح بود، رسید. وی کشاورزی را به طور گسترده‌ای توسعه داد و علاوه بر زراعت، به کشت درخت و احداث نهرها و جاری کردن آنها دست زد و صنعت باغداری و آبیاری را پدید آورد^(۱). این، آغاز توسعه دو صنعت آبیاری و باغداری بود که تا امروز ادامه یافته است.

حضرت داود علیه السلام نخستین فردی است که به تعلیم خداوند، صنعت ریخته‌گری در

۱. احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۴.

فلزات را ابداع نمود. آن حضرت استفاده از فلزات را از حالت بسیط خارج کرد و از طریق ذوب فلزات و ریخته‌گری به تجارت فرآورده‌های آن پرداخت^(۱).

پیشکسوت و آغازگر صنعت دامداری، انبیای الهی بوده‌اند، چنانکه اولین کسی که توسعه شهری و اجتماعی و تقسیم جمعیت را ابداع نمود و بدان همت گمارد، حضرت نوح علیه السلام و سپس حضرت فالغ یکی از پیامبران پس از هزاره اول بود^(۲).

فن تجارت به وسیله انبیا پدید آمده و در اثر تعلیم و توصیه آنها به اصحاب خود توسعه یافته است.

در سایر ابعاد توسعه، مانند توسعه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... نشانه‌ها و قراین دقیق و متقن تاریخی در دست است که انبیای الهی و دین اسلام مبدأ و منشأ آنها بوده‌اند. در این مقاله با بررسی ۹ موضوع از معارف و فرهنگ اسلامی و تعالیم قرآن نشان خواهیم داد که چگونه دین اسلام علاوه بر تأکید و اصرار بر توسعه اقتصادی، منشأ پیدایش و بازسازی توسعه سالم و همه جانبه اقتصادی و سازگار با دیگر ابعاد توسعه مانند توسعه فرهنگی، سیاسی، نظامی و... بوده است؛ اما افسوس که مسلمین با عقب ماندن از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و معصومین و از دست دادن هدایت و ولایت آنان از صدر اسلام تا به امروز نه تنها توسعه مورد نظر اسلام را پیدا نکرده‌اند، بلکه جز جوامع عقب مانده یا در حال توسعه به حساب نمی‌آیند.

آموزه‌های وحیانی در جهت توسعه اقتصادی

رشد یکی از مفاهیم فرهنگ اسلامی^(۳) و دارای محتوای بسیار وسیع و پر دامنه است^(۴). بررسی یک پارچه جمیع آیات، روایات و مطالبی که در فقه، اخلاق و تعالیم اجتماعی اسلام درباره رشد وارد شده، یکی از ابعاد مهم فرهنگ اسلام را به دست می‌دهد که می‌توان آن را فرهنگ رشد یا فرهنگ توسعه نام نهاد. بر اساس این حقیقت اذعان خواهیم کرد که اسلام منشأ توسعه در تمام ابعاد از جمله توسعه اقتصادی بوده و هست.

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۷۴.

۲. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۱۸.

۳. مطهری، مرتضی، امدادهای غیبی در زندگی بشر، انتشارات صدرا، تهران، ص ۱۲۷.

۴. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران.

اگرچه در فقه و نظام حقوقی و اقتصادی اسلام و سپس در خلال احکام اجتماعی و روابط انسانی، بیشتر و پررنگ‌تر به موضوع رشد برمی‌خوریم، اما این مفهوم در سرتاسر فرهنگ اسلامی جریان دارد. قرآن حکیم آن را به عنوان یک راه و شیوه در زندگی اجتماعی و نقطه مقابل راه فسی، خسران و باختن معرفی کرده است^(۱). در روایات آمده است که سنت پیامبر ﷺ رشد بود^(۲) و اساساً پیامبر ﷺ به سوی رشد هدایت می‌نمود^(۳).

رشد در فقه و نظام اقتصادی از جایگاه بسیار بااهمیتی برخوردار است و یکی از شرایط اساسی صحت معاملات اقتصادی و عقود مانند بیع، اجاره، رهن و... به حساب می‌آید^(۴).

در نظام اجتماعی

حضرت داوود عليه السلام نخستین فردی است که به تعلیم خداوند، صنعت ریخته‌گری در فلزات را ابداع نمود. آن حضرت استفاده از فلزات را از حالت بسیط خارج کرد و از طریق ذوب فلزات و ریخته‌گری به تجارت فرآورده‌های آن پرداخت.

و احکام فقهی حاکم بر روابط انسانی، رشد به عنوان شرط اساسی در پدید آمدن و ایجاد نهادهای اجتماعی و روابط قانونی بین

اشخاص، گروه‌ها، سازمان‌ها و... تلقی شده است. مثلاً خانواده به عنوان کوچک‌ترین و پراهمیت‌ترین نهاد اجتماعی، زمانی پدید می‌آید که طرفین دارای رشد باشند^(۵) چنانکه مهم‌ترین و اساسی‌ترین نهاد اجتماع یعنی رهبری و ولایت جامعه بر احراز رشد رهبر در تمام ابعاد استوار گردیده است.

از شروط مهم قضا و مدیریت و کارگزاری نظام اجتماعی در حکومت و فرهنگ اسلامی وجود و احراز رشد می‌باشد. از همه بارزتر، با این‌که اساس نظام اقتصادی اسلام بر تسلط مالک

۱. سوره اعراف، آیه ۱۴۶.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۹۲، «و سننه الرشد».

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۵: «و هدی الی الرشد».

۴. مکی عاملی (شهید ثانی)، محمد جمال‌الدین. الروضة البهیة فی شرح لمعه الدمشقیة. دارالعلم الاسلامی،

۵. شرح لمعه، ج ۵، ص ۱۱۶.

بیروت، بی تا، ج ۳، ۴۰۳.

بر اموالش و اراده آزاد در تصرف آنها استوار شده است^(۱)، قرآن تصریح کرده است که فقط افراد رشید دارای سلطه کامل و اراده آزاد در محدوده تعیین شده نسبت به اموال و دارایی خود می باشند و جامعه اسلامی حق ندارد اموال سفها و صغار و مجانین را در اختیار آنان قرار دهد^(۲). قرآن این حکم را معتلل به فلسفه اموال در اسلام کرده^(۳) و قیام و استواری اقتصادی یا به تعبیر دیگر توسعه اقتصادی را در اموال و سرمایه های اشخاص قرار داده لذا سفیه و صغیر چون نمی توانند اموال را در جهت قیام و توسعه اقتصادی به کار گیرند، حق تصرف در آنها را ندارند، بلکه اموالشان باید در اختیار قیام رشید یا حاکم اسلامی^(۴) قرار گیرد مگر این که رشد آنها احراز گردد^(۵).

از مجموع تعالیم و مسائلی که قرآن، سنت و فقه به ویژه در باب معاملات درباره رشد آمده به چندین نکته پی می بریم:

۱. رشد، یک امر اکتسابی است^(۶) و مانند عقل یا بلوغ که در جریان غریزی، تکوین و تکامل می یابند، نمی باشد. بلکه در پرتو شناخت و پرورش و تعلیم و تربیت صحیح به دست می آید.

۲. رشد، هم درباره فرد و هم در خصوص جامعه مطرح است. همانگونه که افراد به رشید و سفیه تقسیم می شوند، جامعه نیز به سفیه و رشید قابل تقسیم است.

۳. رشد، امری تشکیکی و دارای مراتب و درجات مختلفی است. حد معین و محدودی ندارد و انسان و جامعه به هر مرتبه از رشد که برسند، باز هم مراتب بالاتری وجود دارد. بنابراین فرد و جامعه همواره رو به توسعه خواهند بود یا در حال عدم توسعه، انحطاط و سفاقت. از همین رو تعبیر جامعه توسعه یافته تعبیر غلط و نارسایی است.

۴. رشد و راه رشد درباره سرمایه ها مطرح است.

۵. سرمایه هایی که در بستر رشد به جریان می افتند و به سود می نشینند، منحصر به سرمایه های مادی و اقتصادی نمی باشد، بلکه سرمایه های معنوی و عقلانی و فرهنگی را هم

۱. الناس مسلطون علی اموالهم، آیت الله مکارم، القواعد الفقهیه، مدرسه الامام امیرالمؤمنین، قم، ۱۴۱۱، جلد

۲. ص ۱۹.

۳. نساء: ۶

۴. شرح لمعه: ج ۴، ص ۱۰۴.

۵. نساء: ۵.

۶. امدادهای غیبی در زندگی بشر، ص ۱۳۰.

۵. همان: ص ۱۰۷.

شامل می‌شود لذا اگر بحث رشد در خصوص سرمایه‌های مادی را مطرح کنیم، به بحث توسعه اقتصادی پرداخته‌ایم و اگر به سرمایه‌های معنوی نظر داشته باشیم، وارد مقوله توسعه فرهنگی و اجتماعی شده‌ایم.

۶. نتیجه هدایت سرمایه‌ها در بستر رشد، فوز، فلاح، سود، قیام و استقلال جامعه و فرد می‌باشد.

۷. ویژگی انسان مسلمان و جامعه اسلامی بر خورداری از رشد و رشید بودن و حرکت در بستر رشد می‌باشد و در غیر این صورت نمی‌توان فرد و جامعه را اسلامی تلقی نمود.

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان رشد را چنین تعریف کرد: «قدرت، هنر و لیاقت حفظ، بهره‌برداری و به سود رساندن سرمایه‌های مادی و معنوی^(۱)».

پیشکسوت و آغازگر صنعت دامداری، انبیای الهی بوده‌اند، چنانکه اولین کسی که توسعه شهری و اجتماعی و تقسیم جمعیت را ابداع نمود و بدان همت گمارد، حضرت نوح علیه السلام و سپس حضرت فالغ یکی از پیامبران پس از هزاره اول بود.

چنانکه گذشت اگر در تعریف مزبور سرمایه اقتصادی چون نقدینه (طلا و نقره)، زمین، آب، معادن و جنگل‌ها را مد نظر قرار دهیم، فرد رشید و جامعه در حال رشد، آن فرد و جامعه‌ای است که بتواند اولاً از این سرمایه‌ها خوب استفاده کند و ثانیاً از آنها کمال بهره‌برداری را بنماید و ثالثاً آنها را در جریانی سودآور قرار دهد که موجب قیام و استواری و استقلال اقتصادی فرد و جامعه گردد و در این جهت بتواند ابزارهای لازم صنعتی و خدماتی را فراهم سازد و با برنامه‌ریزی و سازماندهی، موانع را از سر راه بردارد. این امر جز توسعه اقتصادی که امروز بحث حکومت‌ها، جوامع و اساتید فن می‌باشد، نیست.

آنچه گذشت روشن می‌نماید که اسلام با طرح موضوع رشد، علاوه بر توسعه در تمام ابعاد مختلف و با تأکید بیشتر، به دنبال توسعه اقتصادی بوده و می‌باشد. بدون تردید اگر تمام

۱. همان، ص ۱۳۰.

زویای مسئله رشد در خصوص سرمایه‌های اقتصادی بررسی گردد، تمام ابعاد موضوع توسعه اقتصادی در فرهنگ اسلام تا حدودی روشن خواهد شد.

توسعه اقتصادی پیام نهفته در حقیقت مسخر ساختن طبیعت برای انسان قرآن و روایات متعددی خیر داده است که خداوند، طبیعت و آنچه در زمین و آسمان است، دریاها و آنچه در دریاهاست و خورشید و ماه، شب و روز، همه را مسخر و تسلیم انسان‌ها کرده است^(۱). این تعالیم بیان می‌دارد که انسان می‌تواند به دورترین کرات آسمانی و آنچه در آنهاست و به اقیانوس‌ها و دریاها و ذخایر نهفته در آنها دست یافته و در جهت هدف یا اهداف معینی بهره‌برداری کند و به طریق اولی سرمایه‌ها و مواهب زمین را کسب کند و در بستر سالمی که دین و احکام اسلام تعیین کرده است مورد استفاده و بهره‌برداری قرار دهد.

از آنجا که سلطه دادن انسان بر زمین و آسمان و... با جملات خبری آمده است درحالی که هنوز انسان اندک سلطه‌ای بر طبیعت دارد و در آغاز راه تسخیر زمین و آسمان و مواهب آنهاست. به گفته یکی از دانشمندان: در می‌یابیم که آیات مزبور در مقام بیان یک حکم تکلیفی و امر واجب مؤکد می‌باشد^(۲)؛ بدین معنی که انسان مکلف است استمداد تسلط و تسخیر خود را بر «ما فی السموات و ما فی الارض» شکوفا نماید و سرمایه‌های نهفته در زمین و آسمان را اسیر و رام خود کند و آنها را در جهت اهداف الهی و انسانی به کار گیرد و بهره‌بردار و در انجام این تکلیف از باب مقدمه واجب، ابزار لازم را در پرتو صنعت و تکنولوژی فراهم نماید و با برنامه‌ریزی لازم و اعمال مدیریت اقتصادی مناسب، موانع را مرتفع و راه انجام آن واجب را هموار کند.

قرآن در این زمینه به نکته ظریفی اشاره می‌کند و می‌فرماید: «شما قادر نیستید در آسمان‌ها رخنه کنید مگر به سلطان (قدرت و تسلط)»^(۳). یعنی اگر چه در جای دیگر خبر از سلطه دادن شما بر آسمان‌ها داده‌ایم اما این تسخیر و نفوذ به وسیله تسلط و قدرت می‌تواند

۱. سوره‌های لقمان (۲۰)، حج (۶۵)، جاثیه (۱۳) و ابراهیم (۳۲، ۳۱، ۱۲)

۲. خراسانی (آخوند)، محمدکاظم، کفایة الاصول، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۲ ق. ص ۹۲.

۳. الرحمن، ۳۳.

باشد. ما در این مختصر درصدد تفسیر و تأویل «سلطان» نیستیم؛ اما مراد هرچه باشد، اشاره به ابزار و تکنولوژی تسخیر و سلطه بر فضا دارد؛ یعنی در جهت دست‌یابی به سرمایه‌های موجود در طبیعت باید ابزار و برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح را به دست‌آورد.

آنچه در بالا گذشت، دقیقاً از مباحث اساسی بحث توسعه اقتصادی است. بنابراین در حقیقت و ماهیت بحث قرآنی تسلیم و تسخیر «ما فی السموات و ما فی الارض»، بحث توسعه اقتصادی و برخی از اصول اساسی آن نهفته است. به تعبیر دیگر امر و تکلیف به توسعه اقتصادی از آن استنباط می‌شود.

امر به آبادسازی و تمکن بر زمین و دستور به توسعه اقتصادی

برخی آیات و روایات، انسان را به آبادکردن زمین^(۱)

و تمکن بخشیدن به امت اسلام در زمین و به دست‌آوردن ابزار و اسباب معاش امر کرده است.^(۲) بالاتر این‌که قسمتی از فلسفه ارسال پیامبران را آبادسازی زمین و تمکن یافتن و به دست‌آوردن معاش و ابزار و وسایل لازم زندگی سعادت‌مندان در زمین معرفی کرده است.

در وصف دین اسلام آمده است «فیه موابیح النعم»^(۳). دین اسلام بستر ریش و ازدیاد نعمت‌ها و سرمایه‌هاست و راه‌های صحیح و مؤثر آبادی و عمران سرمایه‌ها و زمین در اسلام نهفته است.

با تحلیل دقیق و بررسی ابعاد مختلف سه امر مزبور -آبادکردن زمین، تمکن بخشیدن به امت و اسلام و بسترسازی برای سرمایه‌ها- درمی‌یابیم که توسعه اقتصادی از اهداف پیامبران و قسمتی از تعالیم اسلام می‌باشد که جزو وظایف جامعه اسلامی اعم از افراد و حکومت آن

فن تجارت به وسیله
انبیا پدید آمده و در اثر
تعلیم و توصیه آنها به
اصحاب خود توسعه
یافته است.

۲. اعراف: ۱۰.

۱. هود: ۶۱.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۲.

است.

ازدیاد اموال، بازدهی سرمایه و اصلاح ثروت؛ سه بعد توسعه اقتصادی از وظایف و تکالیف مهم در اسلام، اصلاح و ازدیاد اموال و پرهیز از تضييع سرمایه‌ها می‌باشد. از طرف دیگر قرآن به کسانی که به تضييع اموال و تباه کردن آنها می‌پردازند، عناوینی چون مسرف، مبدّر و خائن داده و همگی را ظالم و مستحق عقوبت دانسته است. از طرف دیگر به سه امر: پرورش و ازدیاد زمین و بازدهی اموال و اصلاح دارائی و سرمایه تصریح کرده و آن را عین مروت دانسته و اعلام داشته که هرکس مروت ندارد، دین ندارد^(۱). به بیان دیگر: پرورش زمین و بازدهی و اصلاح سرمایه‌ها را عین دینداری تلقی کرده است و از آنجا که این سه امر از ابعاد توسعه اقتصادی است، می‌توان گفت توسعه اقتصادی عین مروت و دینداری است.

توصیه به احیا و نگهداری و توصیه به توسعه اقتصادی

احیای زمین و حیازت مباحات و بهره‌وری از زمین، جایگاه مهمی در اقتصاد اسلامی دارد و به شدت به آن توصیه شده تا آنجا که قسمتی از فقه را تشکیل داده است^(۲). آیات قرآن به صورت امر و دستور به بهره‌وری از زمین اشاره کرده است مانند:

۱. «يا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلالاً طَيِّباً...»^(۳): ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید.

۲. «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ...»^(۴): از خوراکی‌های پاکیزه‌ای که روزی شما کردیم بخورید.

۳. «هو الذی جعل لكم الأرض ذلولا فامشوا فی مناكبها و کلوا من رزقه و الیه النشور»^(۵). اوست کسی که زمین را برای شما رام کرد، پس در فراخنای آن رهسپار شوید و از روزی (خدا) بخورید و رستاخیز به سوی اوست.

۴. «و نزلنا من السماء ماءً مبارکاً فانبتنا به جناتٍ و حبّ الحصيدٍ* و النخل باسقاتٍ لها

۱. ری شهری، محمدی، میزان الحکمة، مکتبه الإعلام الاسلامی، تهران، ۱۳۶۲، ج ۹، ص ۱۱۶.

۲. شرح لمعه، ج ۷، ص ۱۳۲ به بعد.

۳. بقره: ۱۶۸.

۴. طه: ۸۱.

۵. ملک، ۱۵.

مَلْعٌ نَضِيدٌ» رزقاً للعباد...»^(۱)؛ و از آسمان، آبی پربرکت فرود آوردیم، پس بدان باغها و دانه‌های دروکردنی رویاندیم و درختان تناور خرما که خوشه‌های روی هم چیده دارند (اینها همه) برای روزی بندگان (من) است.

مفسرین و فقها در این‌که امر «کلوا» در سه آیه اول برای وجوب است یا برای استحباب، اختلاف نظر دارند. برخی حمل بر وجوب و برخی حمل بر استحباب کرده‌اند. ما در این‌جا وارد بحث تخصصی فقهی و تفسیری نمی‌شویم، چراکه اگر آیه را حمل بر استحباب هم کنیم که اکثراً بر این نظر هستند^(۲) باز به بحث و مقصود لطمه وارد نمی‌شود. در سه آیه اول، قرآن اشاره می‌کند که شایسته و بایسته است که از آنچه در روی زمین و زیر زمین امکان رویش دارد، بخورید (بهره‌برداری کنید). بدون شک این توصیه مؤکد شامل تمام سرمایه‌های خدادادی در

روی زمین، جنگل‌ها، مراتع، معادن و ذخایر دریایی می‌شود. در آیه چهارم در واقع، امر به مهار آب‌های زیرزمینی، جاری بر روی زمین و آب باران و احیای زمین از طریق کشاورزی و باغداری می‌نماید. تمام این امور امروزه در قالب بحث توسعه اقتصادی مطرح و قابل بررسی و مطالعه است. بنابراین می‌توان ادعا کرد این قبیل آیات و روایات در تعالیم اسلامی در واقع، امر به برخی از ابعاد مهم توسعه اقتصادی می‌باشد.

با تحلیل دقیق و بررسی ابعاد مختلف سه امر مزبور -آباد کردن زمین، تمکن بخشیدن به امت و اسلام و بسترسازی برای سرمایه‌ها- درمی‌یابیم که توسعه اقتصادی از اهداف پیامبران و قسمتی از تعالیم اسلام می‌باشد که جزو وظایف جامعه اسلامی اعم از افراد و حکومت آن است.

۱. ق: ۱۱.

۲. فاضل مقداد، جمال‌الدین، کنز‌العرفان فی فقه‌القرآن، انتشارات رضوی، تهران، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۸.